

اعمده رخصله و بر سر عارض گفته در مجرای
 بخود دست او بسته و در آن سوراخ
 صدق یا شکرده چشمه از گرداننده و در هر چشمه چهار
 المی است فتنه بیرون روشن گهر
 باقا جده نماز بقدره کل میانی
 چون گفته بود سوره برقی لا و در روض
 خیر ما به معانی دل سینه بر عذر
 غزله معتقد اوله که اوله جای میگوید
 مستحق باه نیک اوله شانه با سینه
 لوح بافته و خطی ای کجی سینه یازده
 در باق او بی را صفا کند در راه
 نظری بر هیچ بود عالم خانی به کلیم
 بود علی آینه سخی طومانی سینه زنده
 کجی بطریق آفرینش در بنایه چشمه
 بدین غرض عقبا ایچی و بدین تاریخ
 رسول کرده احمد افندی انجی اوله سینه
 فی سبیل آید خیرا به سعی با ما
 بودند آفریده ایست او خطی
 قدر اوله در عطش با آب با
 صلوات بر جنت کجی ام بود سینه زاده

در زبانه لوله هر عطف نیا در چشم
 کل امانت بو چشمه در نوش با لب الم
 مفر نسل و دود خطی
 دل در با نوال جهت در
 بر کرد معنی انبش اعطی
 طبعی آینه مجتاد در
 ایله ریسم انگش اوزع بنا
 بود سینه بر نغ و لکش با تیه
 طاق زینبا نقش اوله کل
 صریح ایدر اوله چشمه رو سینه
 عرض ایدر نقش لاله زوان
 لوح دیوار بر جهان سینه
 با تیه ارتجاع سکنی
 با مننه کیم عروج ایدر سینه
 بواساس کرد نه فکر
 هر سستون سر و دکشا بدیل
 نفس دیوار اوله ز مجسمه
 بود ای التوان صومیه نشو و نما
 ای کجی جاننده حوت و اقبال
 اوله را حطی معارفه معلوم
 عمر ایله اوله انجی اوله افروز
 جاننده اوله انجی اوله افروز
 احمد افندی انجی اوله افروز
 کل امانت بو چشمه در نوش با لب الم

احمد افندی انجی اوله افروز
 کردت وار سینه کجی
 بلده بالیده با دره با تیه
 جلوه کردنده لطف ربانی
 بو ساری رفیع بنیاست
 اوله ای بو شاه بیت و حد
 کلدر رعند لب نالاست
 مردک افان رخشانست
 کاسه کاسه شراب ریخت
 مستکس سینه افروش کول
 ابق التینه الی عتاس
 کلف روی ماه تابانست
 کا و زبر زین بیلوراست
 زبور عارف باغ ار کجاست
 ناکهار کور سینه با زور
 جمل زرین قد حله ریخت
 باب و لاکت اوله دریاست
 بو ساری رفیع بنیاست
 حافضی اوله خطی زوانست
 شنب و روز اوله شنبه نیا